



«شهید آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی به اتفاق آیت‌الله فاضل لنکرانی و مرحوم آیت‌الله اشراقی داماد حضرت امام (ره) در طی سالیان متمادی حلقه مباحثه‌ای داشتند که در آن بسیاری از مباحث مربوط به علوم مختلف حوزوی را مورد بررسی قرار می‌دادند. مرحوم اشراقی در آبان ماه ۱۳۵۹ در گفت‌ووشنود با روزنامه اطلاعات به نقل پاره‌ای از گفتنی‌های خود از مزایای علمی و عملی آن شهید گرامی‌پره‌یاد که بخشهایی از آن در پی می‌آید.»

### مرحوم آیت‌الله شیخ شهاب‌الدین اشراقی

## او در ۲۵ سالگی مجتهد بود...

علوم متخصص شد و من نظیر او را در حوزه‌ها و مجامع علمی پیدا نکردم.

□ □ □

غیر از امام که بی تردید در تکوین شخصیت حاج آقا مصطفی (ره) تأثیر قاطع داشته‌اند، جد مادری حاج سید مصطفی هم در استعداد علمی، کم‌نظیر بوده است. مرحوم آقا میرزا ابوالفضل زبازنده همگان بود و بسیاری معتقدند که مرحوم سید مصطفی، استعداد عجیب و قریحه بی‌نظیرش را از وی به ارث برده است. از این گذشته، امام (ره) از همان آغاز سالهای مدرسه، ایشان را به درست درس خواندن عادت می‌دهند و او را تشویق می‌کنند و هنگامی هم که به مدارج بالاتر می‌رسد، شانزده سال از محضر درس امام نهایت استفاده را می‌برد و نیز در محافل خصوصی ایشان، بسیاری از غوامض علمی را که به خوبی قادر به رسیدن به واقعیت آنها نبود، با امام در میان می‌گذارد و ایشان هم در مسائل علمی راهگشای او هستند. بنابراین در تربیت علمی حاج سید مصطفی، شخص امام از هر نظر اثر تام داشتند و لذا او توانست بیشتر اصول و رؤوس مطالب علمی و راه و روش امام را در بحثهای علمی به درستی بیاموزد.

□ □ □

شخصیت حاج آقا مصطفی (ره) در روند سیاسی و تاریخ مبارزات ملت ایران، بسیار برجسته است. او قبل از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه. ش و به هنگام طرح انجمنهای ایالتی و ولایتی که آغاز مبارزه علنی امام با شاه است و در زمان دولت علم او ج گرفت، پیوسته پشت سر امام بود و گام به گام، همراه ایشان در مبارزات شرکت می‌کرد و فوق العاده قاطع، محکم و شجاع بود.

□ □ □

شبی که امام را گرفتند و جریان پانزده خرداد پیش آمد، حاج آقا مصطفی (ره) در منزل امام با یک نفر صحبت می‌کرد و مرا هم خواست. من دیدم چیزی که ذهن او را سخت به خود مشغول کرده، زندانی بودن امام نیست، بلکه چونگی ادامه مبارزه است. نقشه‌هایی را طرح می‌کرد و به فردی که آنجا بود، دستوراتی می‌داد تا حرکت آغاز شده را تسریع و تشدید کند و من شاهد تلاش فراوان او بودم. در اوج مبارزات، او این کسی که در قم مبارزه را شروع کرد، باز هم او بود. مثلاً زمانی که بعضی از علما، معاملات دولتی را تحریم کردند، او در خانه امام با شربت سرکه شیره از مهمانها پذیرایی

مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) هم از لحاظ استعداد درک مسائل علمی و مجهولات و هم از لحاظ حافظه قوی برای نگهداشتن مسائل علمی، قوی بود و حتی می‌توان گفت هم در حافظه و هم در استعداد نبوغ داشت. من در بیان این مسئله کوچک‌ترین تعصبی را نسبت به او نشان نمی‌دهم، بلکه وجدانم حکم می‌کند که واقعیت را بگویم. من در حوزه علمیه قم و نجف به قدرت استعداد علمی و حافظه او کسی را ندیده‌ام.

□ □ □

او تمام «المنجد» را حفظ و به خصوصیات واژه‌ها واقف بود و در قدرت حافظه و دانستن فتاوی علما، ید طولایی داشت. در قدرت حافظه او همین بس که از تمام فروع کتاب «عروه الوثقی» اثر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدکاظم (ره) که از کتب بسیار نفیس فقهی است، اطلاع کافی داشت.

□ □ □

در مورد استعداد ایشان، همین قدر بگویم که من با او و استاد محمد فاضل لنکرانی، سالها هم‌بخت بودیم و من در آن سالها متوجه شدم که او در ۲۵ سالگی مجتهد شده است. در آن سالها، امام تابستان را به تهران و به امامزاده قاسم تشریف می‌آوردند. من روزی به ایشان گفتم که حاج آقا مصطفی (ره) مجتهد است. آیا شما بر این معنا صحه می‌گذارید؟ امام به ستوال من پاسخ صریحی ندادند، چون نمی‌خواستند در مورد فرزند خود اظهار نظر کنند، ولی من از شادمانی چهره ایشان فهمیدم که ایشان هم اجتهاد حاج سید مصطفی را در آن سن قبول داشتند.

□ □ □

حاج آقا مصطفی (ره) در همه علوم نه تنها عالم، بلکه متخصص بود. در ادبیات، صرف و نحو و فلسفه واقعاً تخصص داشت. در فقه و اصول هم مجتهد بود و این را تمام اساتید و علما و کسانی که از میزان علمی و ادراکی او اطلاع داشتند، صحه می‌گذاشتند.

□ □ □

یکی از دلایل ورزیدگی بالای او در زمینه اجتهاد این بود که وقتی پس از دوازده سال که رژیم شاه اجازه سفر به عتبات عالیات را به من داد، هنگامی که به نجف رفتم، متوجه شدم که حاج آقا مصطفی (ره) بسیار از زمانی که با من هم مباحثه بود، قوی تر شده است و در حوزه نجف درس خالج را می‌گوید و عده زیادی از علمای حوزه نجف از درس او استفاده می‌کنند. درس خارج گفتن حاج آقا مصطفی (ره) در حوزه نجف، خود دلیل بارزی است بر این امر که فضایی حوزه نجف هم مقام علمی او را پذیرفته بودند.

□ □ □

حاج آقا مصطفی (ره) تألیفاتی هم دارد و من نوشته‌های او را در تفسیر که در میان آنها مقدمه و تفسیر سوره حمد و چند آیه از سوره مبارکه بقره به چشم می‌خورد، در نجف دیدم که ۱۴۰۰ صفحه بزرگ بود و در کاغذهای معمولی بیش از سه هزار نسخه می‌شد. او در فقه و اصول هم آثار فراوانی دارد و در آنها درباره بسیاری از کتب و ابواب فقهی بحث کرده است. همچنین در فلسفه، حاشیه‌ای بر اسفار ملاصدرا دارد. او در قم، اسفار را برای بعضی از فضلا تدریس می‌کرد و همین امر، دلیلی بر مقام علمی و تخصص وی در فلسفه است.

□ □ □

به نظر من حاج آقا مصطفی (ره) جامع معقول و منقول بود. او در آن سن کم، به چنان مقام علمی و اجتهادی دست یافت که در تمام

□ □ □

پس از واقعه پانزده خرداد، امام را به ۱۰ سال زندان محکوم کردند، ایشان در خانه‌ای محصور بودند که مرحوم آقا سید مصطفی در آنجا ملازم و غمخوار امام بود. قبل از آن هنگامی که امام را به ترکیه تبعید کردند، آن مرحوم به زندان افتاد. پس از مدتی که از زندان آزاد شد و به قم آمد، مردم و مراجع از ایشان استقبال عظیمی کردند. بعد سازمان امنیت ترسید که نکند او خلا غیبت امام را پر کند و لذا او را دستگیر و به ترکیه تبعید کرد. در میان مأموران سازمان امنیت، سرهنگ افضلی هم به قم آمد و با او مذاکره کرد و اصرار داشت که خود حاج آقا مصطفی به ترکیه برود، ولی او حاضر نشد و قصد داشت که حوزه قم و نیز مادر بزرگوارش را سرپرستی کند. پس از امتناع وی، همان شب سرهنگ مولوی ملعون به مرحوم آقا سید مصطفی تلفن زد و ناسزا گفت و او هم با نهایت شجاعت و صراحت و با تندی، شدیدترین ناسزاها را جواب گفت. سرانجام وی را به ترکیه تبعید کردند و از آنجا هم، همراه امام به نجف تبعید شد و سپس با توطئه دولت شاه خان و همکاری همکاران دیگر به مقام رفیع شهادت نائل آمد.

□ □ □

رژیم شاه قصد داشت با کشتن حاج آقا مصطفی (ره)، روحیه امام را درهم بشکند، ولی همان‌گونه که همه ملت ایران آگاه هستند، فوت حاج آقا مصطفی (ره) نه تنها روحیه امام را درهم نشکست، بلکه ایشان قاطع‌تر و مصمم‌تر از قبل، مبارزه را ادامه داد. امام در شهادت او حتی یک قطره اشک هم نریختند، درحالی که بسیار رقت قلب داشتند و علاقه‌شان به فرزندشان نهایت نداشت. مرد قاطع، در چنین مواقعی، محبت را فراموش می‌کند و لذا فوت آقا سید مصطفی برای ایشان مسئله‌ای را ایجاد نکرد و عمداً این مسئله را فراموش کردند و همین دلیلی بر قاطع بودن ایشان در راه دین است.

□ □ □

دلیل دیگری که رژیم شاه، حاج آقا مصطفی را از سر راه برداشت این بود که او به تنهایی حریف همه این رویه‌بان بود و لذا از او خوف داشتند. حاج آقا مصطفی مردی مبارز، مبتکر، نیرومند و بزرگوار بود و از این جهت در سطح بسیار وسیعی با رژیم شاه مبارزه می‌کرد. رژیم قصد داشت با این عمل به این دو هدف برسد، ولی از آنجا که مبارزات ملت ما باید با امدادهای غیبی به ثمر می‌رسد، به فرمایش امام، شهادت حاج آقا مصطفی (ره) از الطاف خفیه حق بود و براندازی رژیم، از روز شهادت ایشان، آغاز گردید و محقق شد.

□ □ □

مرحوم آقا سید مصطفی بسیار رفیق دوست بود و به علت حسن سلوک و اخلاق خوش، رفقای صمیمی زیادی داشت. در قبال مسائل مادی و واقعی نظیر بود و هیچ‌گاه حکام دنیا و زرق و برق آن، چشمش را نگرفت که این به خوبی در وصیتنامه وی که چند خط بیشتر نیست، مشهود است. صفای باطن، محبت، گشاده‌رویی، لطیفه‌گویی، قریحه سرشار و مجلس‌آرایی از صفات بارز او بود و به رفقایش بسیار علاقه داشت. رفقای او احساس می‌کردند که نزدیک‌ترین رفیق وی هستند، چون نسبت به همه‌شان کمال محبت را داشت و در محبت هم مساوات را رعایت می‌کرد. او با آن‌که از مال دنیا هیچ چیز نداشت، بسیار سخاوتمند بود.

### صفای باطن، محبت، گشاده‌رویی،

لطیفه‌گویی، قریحه سرشار و مجلس‌آرایی از صفات بارز او بود و به رفقایش بسیار علاقه داشت. رفقای او احساس می‌کردند که نزدیک‌ترین رفیق وی هستند، چون نسبت به همه‌شان کمال محبت را داشت. او با آن‌که از مال دنیا هیچ چیز نداشت، بسیار سخاوتمند بود.